



<p>مقطع تحصیلی: کاردانی <input type="checkbox"/> کارشناسی <input checked="" type="checkbox"/> رشته: معماری ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹</p> <p>نام درس: مبانی طرح معماری داخلی نام و نام خانوادگی مدرس: معصومه حیدری مقدم</p> <p>آدرس email مدرس: arc_mas2006@yahoo.com تلفن همراه مدرس: 09124893080</p>
<p>جزوه درس: مبانی طرح معماری داخلی مربوط به هفته: اول <input type="checkbox"/> دوم <input type="checkbox"/> سوم <input type="checkbox"/> چهارم <input type="checkbox"/> پنجم <input type="checkbox"/> ششم <input type="checkbox"/> هفتم <input type="checkbox"/> هشتم <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>text: دارد <input checked="" type="checkbox"/> ندارد <input type="checkbox"/> voice: دارد <input type="checkbox"/> ندارد <input checked="" type="checkbox"/> power point: دارد <input type="checkbox"/> ندارد <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>تلفن همراه مدیر گروه: .....</p>
<p style="text-align: center;"><b>بسمه تعالی</b></p> <p style="text-align: right;">جلسه هشتم</p> <p>در جلسات گذشته عناصر پایه ای هنرهای تجسمی و بصری به طور مفصل عنوان شدند. از این جلسه قواعد و دستور زبان کاربرد عناصر سازنده محیط (مباحث ۷ جلسه اول) بیان می شوند. کیفیتهای هنرهای تجسمی همان اصولی هستند که به زیبایی عناصرها را در کنار هم قرار می دهند و بدین ترتیب یک ترکیب بندی مطلوب و هنرمندانه ایجاد می شود. کیفیتهایی هم چون تعادل، تضاد و .... ویژگی هایی هستند که هنرمندان در آثار خود به آنها اشاره دارند. در این جلسه مفهوم تعادل و تضاد را مورد بررسی قرار می دهیم. در مقدمه می بایست مفهوم وزن بصری که از خصوصیات های فیزیکی عناصر هنرهای تجسمی حاصل می شود را بیان کنیم.</p> <p style="text-align: center;"><b>وزن بصری (visual weight)</b></p> <p>وزن بصری اصطلاحی است که در مورد المان های ترکیب بندی در یک تصویر و میزان تاثیر بصری آنها به کار برده می شود. بعضی چیزها در مقایسه با المان های دیگر در تصویر سنگین تر یا برجسته تر به نظر می رسند.</p> <p>دنیای پیرامون ما دارای اشیاء و ماهیت های بصری متفاوتی است که هر کدام بنا به خصوصیات ظاهری و درونی خود ایفای نقش می کنند و چشم را در حرکت به سمت و سویی راهنمایی می کنند. بنابر این نکته است که، از عبارت وزن بصری برای توصیف کشش چشم به سمت شکلی خاص استفاده می شود.</p> <p style="text-align: center;"><b>ارتباط مشخصات عناصر تجسمی با وزن بصری</b></p> <p>هنرمندان هنگام ایجاد یک آثار هنری می بایست توجه کنند که عناصر و خصوصیات خاص، وزن بصری بیشتری نسبت به مابقی عناصر دارند. به طور کلی، دستورالعمل های زیر اعمال می شود:</p> <p style="text-align: center;"><b>۱- رنگ</b></p> <p>رنگ ها دارای سه ویژگی اصلی - ارزش، اشباع، و رنگ - که بر وزن بصری آنها تاثیر می گذارد .</p> <p>- ارزش: رنگ های تیره تر به نظر می رسد از لحاظ بصری سنگین تر از رنگ های سبک تر. سیاه ترین تاریک ترین رنگ و وزن ترین تصویر است. سفید سبک ترین رنگ و سبک ترین وزن بصری است. با این حال، اندازه شکل نیز اهمیت دارد: برای مثال، یک شکل تیره کوچکتر میتواند با یک شکل سبک تر متعادل شود .</p> <p>- اشباع: رنگ های اشباع شده بیشتر (شدید تر) از لحاظ بصری سنگین تر از رنگ های خنثی تر هستند. با ترکیب رنگ خالص با طوسی یا رنگهای مکمل آن می توان شدت و وزن بصری آنرا کم کرد.</p> <p>- رنگ: رنگ های گرم (زرده، نارنجی، قرمز) دارای وزن بصری بیشتری نسبت به رنگهای سرد (آبی، سبز، بنفش) هستند .</p> <p style="text-align: center;"><b>۲- شکل</b></p> <p>- مربع ها دارای وزن بصری بیشتری نسبت به دایره هستند؛ و اشکال پیچیده تر مثل شش گوش، پنتاگون ها تمایل به وزن بصری بیشتری نسبت به اشکال ساده مثل بیضی مربع، و غیره دارند. اشکال یا الگوی پیچیده تر وقتی که با شکل های شفاف مقایسه می</p>

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



شود، از لحاظ بصری سنگین تر به نظر میرسند. به عنوان مثال یک شی ساده، می تواند تقریباً بلافاصله درک شود، در حالی که یک شی پیچیده زمان بیشتری برای پردازش می گیرد. چون ما باید آن را طولانی تر نگاه داریم، و بنابراین توجه بیشتری را به خود جلب می کنیم.

۳- اندازه شکل بسیار مهم است؛ اشکال بزرگتر از لحاظ دیداری سنگین تر از اشکال کوچک است، اما یک گروه از اشکال کوچک می تواند وزن یک شکل بزرگ را به صورت بصری به وسیله بافت و رنگ تحت تاثیر قرار دهند. خطوط ضخیم دارای وزن بیشتری نسبت به خطوط نازک هستند .

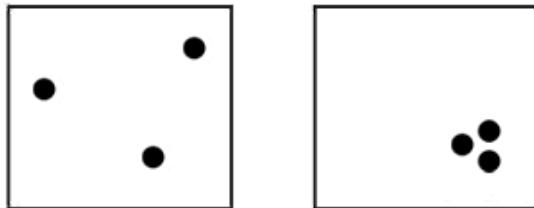
#### ۴- بافت

یک شکل یا فرم با بافت دارای وزن بیشتری نسبت به یک بافت است .

#### ۵- مکان

عناصر بصری متناسب با جایگاه قرارگیریشان بر کادر خود تاثیر می گذارند و علاوه بر این از کادر خود نیز متأثر هستند. همچنین عناصر بر روی یکدیگر نیز نیرو وارد می کنند. از طرفی نزدیکی نقاط به یکدیگر باعث ایجاد تمرکز و تأکید بصری می شود چرا که انرژی هدایت شده از طرف نقاط تجسمی به سوی مخاطب چند برابر شده و در نتیجه توجه بیننده را بیشتر به سمت خود جلب می کند. بسته به این که عنصر بصری در کجای کادر قرار گرفته باشد، وزنه‌های بصری متفاوتی را به وجود می آورد. با توجه به محل قرار گیری، مفاهیم مختلفی را القا می کند.

#### انواع مفاهیم عنصر بصری در کادر



۱- نقطه در مرکز کادر = تعادل

۲- نقطه در نیمه بالا کادر وسط = سبکی

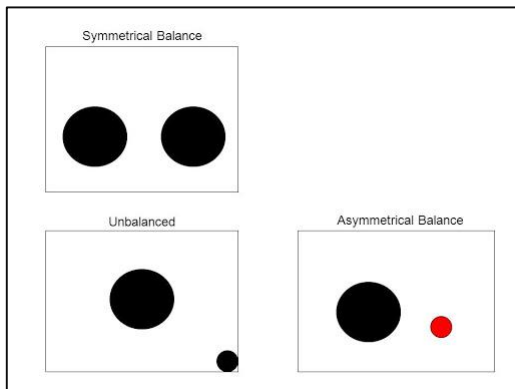
۳- نقطه در وسط نیمه پایین = سنگینی

۴- نقطه در گوشه های بالا کادر = عدم تعادل

۵- نقطه در گوشه های پایین = انزوا، گوشه نشینی و تنهایی

فشرده‌گی عناصر وزن بصری بیشتری نسبت به حالت پراکنده‌گی دارد.

#### انواع تعادل در هنرهای تجسمی



در یک اثر تجسمی وجود تعادل بصری برای ایجاد تأثیر مثبت بر مخاطبان ضروری است. در صورت عدم تعادل میان نیروهای بصری مختلف پیام اثر خدشه دار می شود و تأثیرگذاری خود را از دست می دهد. به طور طبیعی انسان هنگام مشاهده ی چیزها آن ها را با محورهای افقی و عمودی در ذهن خود مقایسه می کند و وجود یا عدم تعادل را در آن ها تشخیص می دهد. در سامان بخشیدن به یک اثر متعادل، تیرگی - روشنی، رنگ ، اندازه و محل قرار گرفتن عناصر بصری در فضای کار دخالت دارند.

چنانچه انرژی بصری همه عناصر به گونه ای سامان داده شود که هیچ بخشی از اثر انرژی بصری دیگر بخش ها را از میان نبرد و باعث اغتشاش بصری نشود، ترکیبی موزون و متعادل به وجود می آید.

#### الف) تعادل متقارن:

تعادل متقارن زمانی است که هر دو طرف قطعه برابر باشند؛ یعنی، آنها یکسان هستند یا تقریباً یکسان هستند. تعادل متقارن را می توان با کشیدن یک خط خیالی از طریق مرکز کار، به صورت افقی یا عمودی ایجاد کرد. این نوع تعادل، احساس نظم، ثبات،



عقلانیت، حرمت و رسالت را ایجاد می کند و اغلب در معماری نهادی - یعنی ساختمان های دولتی، کتابخانه ها، کالج ها و دانشگاه ها - و هنر مذهبی استفاده می شود. به کارگرفتن تعادل قرینه ساده ترین روش برای ایجاد تعادل بصری است. زیرا همه چیز نسبت به محورهای افقی، عمودی و مورب که از وسط اثر عبور می کنند سنجیده می شوند. تعادل قرینه کاملاً طبیعی و سهل الوصول است به راحتی قابل درک می باشد.

آخرین شام توسط نقاش ایتالیایی رنسانس لئوناردو داوینچی (1452-1519) یکی از بهترین نمونه های شناخته شده برای استفاده خلاق هنرمند از تعادل متقارن است. داوینچی از دستگاه ترکیبی تعادل متقارن و چشم انداز خطی برای تأکید بر اهمیت شکل مرکزی، عیسی مسیح استفاده می کند. تنوع کمی در میان ارقام وجود دارد، اما تعداد هر یک از ارقام در هر دو طرف وجود دارد و در همان محور افقی قرار دارند.

گاهی اوقات در هنرهای تجسمی تعادل متقارن دو طرفه را استفاده می کند - یعنی با تقارن مربوط به هم محور عمودی و افقی هر چه یک تصویر یا قاب تصویر (Frame) دارای محور تقارن های بیشتری باشد و توزیع وزن المانهای بصری و رنگ در صفحه بیشتر باشد، آن تصویر از دید کلاسیک زیباتر است و به بیان دیگر رسمی تر به نظر خواهد رسید به همین دلیل شکل دایره، از دید کلاسیک، زیباترین شکل هندسی می باشد، زیرا دارای بینهایت محور تقارن است.

در طراحی داخلی تعادل رسمی موقعیت های یکسان و البته تکراری را ایجاد می کند. مواردی مانند گلدان های متقارن در دو سمت یک راهروی ورودی، جا شمع های متقارن در دو طرف آینه و حتی وجود تقارن در فرش های کلاسیک، همگی نمونه هایی از تعادل متقارن است. تعادل نامتقارن اما دقیقاً در نقطه مقابل تعادل متقارن قرار دارد. این سبک از تعادل رهاورد طراحی داخلی مدرن است. این روش بر مبنای تصادف استفاده می شود. البته گاهی طراح، بنا بر حس و خواسته خود از فضا، عنصری را پررنگ تر کرده و بقیه عناصر را کم ارزشتر می برد. تعادل نامتقارن اگرچه در ظاهر بی نظم تر به نظر می رسد اما از نظمی درونی برخوردار است.



فضاهای سنتی یا رسمی، بیشتر خواستار تعادل متقارن هستند. به گونه ای که عناصر و اشیاء در فضا به طور مستقیم در دو طرف تکرار می شوند. در اصول روانشناسی، این یک قانون است: وقتی چشم ما به فضایی می افتد ابتدا یک کل از آن فضا در ذهن ما شکل میگیرد. مغز ما سریعاً برای اجزای موجود در این فضا الگو سازی میکند تا راحت تر آنرا درک کند. اگر در یک لحظه با فضایی غیر ساده و پیچیده مواجه شویم و الگویی در آن نیابیم، آن صحنه بلافاصله برچسب آشفتگی و بی نظم می خورد و ذهن ما را در همان ابتدا

خسته می کند. یکی از مواردی که این الگو سازی را برای مغز ما راحت تر می کند، همان تقارن است. درست است که نمی توان همیشه هم چیز را قرینه چید، اما حفظ تقارن در خانه از اهمیت خاصی برخوردار است ولی در عین حال زیاده روی در استفاده از اصل تقارن می تواند یکنواخت و کسل کننده باشد.

### ب) تعادل غیر متقارن:

در این روش ایجاد تعادل بصری بر اساس فاصله ی شکل ها، عناصر نسبت به محورهای افقی، عمودی و مورب در وسط کادر تعیین نمی شود، بلکه انرژی بصری شکل ها بر اساس اندازه، جهت، تیرگی - روشنی، رنگ، بافت و جای آنها نسبت به یکدیگر و نسبت به کادر تصویر مشخص می شود. در ترکیب هایی که از تعادل غیرمتقارن استفاده کرده اند انرژی بصری پرتحرک و پویاتر احساس می شود. در هنر معاصر به واسطه ی پیچیده تر شدن جوامع، شکل زندگی و نگاه مخاطبان آثار هنری، بیشتر از تعادل غیرمتقارن بهره گرفته می شود. در توازن نامتقارن، دو طرف یک ترکیب یکسان نیستند، اما به هر حال ظاهراً وزن بصری مشابهی دارند.



به عنوان مثال، تعادل نامتقارن ممکن است رخ دهد، زمانی که چندین آیتم کوچکتر در یک طرف با یک آیتم بزرگ در طرف دیگر متعادل می شوند یا هنگامی که عناصر کوچکتر از مرکز کادر نسبت به عناصر بزرگتر دورتر می شوند. یک شکل تیره می تواند با چند اشکال سبک تر متعادل شود.



تعادل نامتقارن کمتر رسمی است و پویاتر از تعادل متقارن می باشد. ممکن است به نظر می رسد گاه به گاه اما برنامه ریزی دقیق است. یک نمونه از تعادل نامتقارن شب ستاره (1889) اثر ون گوگ است. شکل مثلثی تاریک درختان بصری چسبیده به سمت چپ نقاشی را با دایره زرد ماه در گوشه سمت راست بالا مقایسه می کند .

اگرچه برای مخاطب در نگاه نخست درک یک فضای کلاسیک آسانتر و رسمی تر به نظر می رسد اما در خانه ای که قرار است هر روز در آن زندگی کند استفاده از اصل عدم تقارن باعث پویایی و جذابیت بیشتر آن فضا می شود. عدم تقارن محصول طراحی دکوراسیون داخلی مدرن است و در این روش عنصری از فضا را پر رنگ می کنیم و قرینه ای برای آن در نظر نمی گیریم . به این صورت آن عنصر به شدت چشمگیر خواهد شد . فضای نامتقارن بیشتر به طبیعت نزدیک است بهمین دلیل حس نزدیکی با روح انسان دارد .



### ج) تقارن شعاعی

تقارن شعاعی یک تنوع تعادل متقارن است که در آن عناصر به طور مساوی در اطراف یک نقطه مرکزی قرار می گیرند، همانند در ناحیه چرخ و یا موج های ساخته شده در حوضچه ای که سنگ رها شده است. تقارن شعاعی دارای نقطه کانونی قوی است؛ زیرا آن را در اطراف نقطه مرکزی قرار می دهد. تقارن شعاعی اغلب در طبیعت دیده می شود، مانند گلبرگ های گل لاله، دانه های قاصدک یا در حیات دریایی خاص مانند چتر دریایی. همچنین در هنر مذهبی و هندسه مقدس، مانند ماندالاها



یکی از بهترین راه حل های تعادل بین تقارن و عدم تقارن، تقارن شعاعی است. استفاده از اصل تقارن برای نشان دادن نظم و ایجاد یک الگوی کلی ذهنی و سپس شکستن تقارن برای هیجان و جذابیت بیشتر محیط. فضایی که همه چیز آن دقیقاً قرینه است به مرور، تکراری و خسته کننده خواهد بود و فضایی که همه چیز نامتقارن است انسان را دچار سردرگمی می کند . بهترین راه برای ایجاد عدم تقارن این است که وسایل غیر متقارن را از نقطه کانونی به یک فاصله بچینیم .



### نقطه کانونی

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های خانه به هنگام طراحی و دکوراسیون آن، احتمالاً شناسایی و کار با نقطه کانونی فضا است. نقطه کانونی دکوراسیون در واقع عنصری است که به هنگام ورود به اتاق، نگاه شما را به خود جلب کرده و متوجه آن می‌شوید. معمولاً نقطه

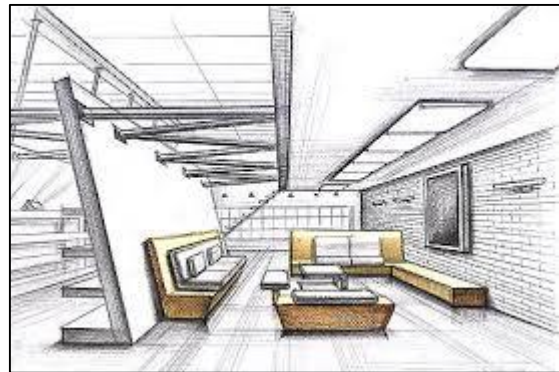
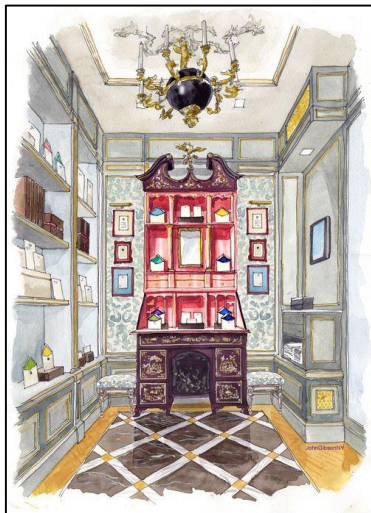


کانونی را به عنوان نقطه تاکید در اتاق می‌شناسند زیرا که بقیه دکوراسیون شما به آن وابسته است.

مثلاً یک گلدان بزرگ خوشرنگ در فاصله ۳ متری از سمت چپ نقطه کانونی و یک بوفه با شکوه و زیبا به همان فاصله در سمت راست نقطه کانونی. به این ترتیب هم عدم تقارن داریم و هم یک تقارن دقیق ذاتی. **طراحی داخلی** بر مبنای تعادل شعاعی مانند حرکت کردن روی لبه تیغ است و مهارت بالایی برای استفاده مناسب از آن مورد نیاز است و گرنه خانه از زیبایی خواهد افتاد.

تمرین :

سه فضا با سه نوع چیدمان متعادل بر روی برگه A3 ترسیم کنید.





قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.